



# باستان شناسی ایران

(رشته هنر)

احمد دهقان    علی اکبر مستقیمی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

#### مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

## فهرست

پیشگفتار ..... نه

### فصل اول. باستان‌شناسی پیش از تاریخ و تاریخی ایران ..... ۱

- ۱-۱ باستان‌شناسی چیست؟ ..... ۱
- ۲-۱ تاریخیچه باستان‌شناسی در ایران ..... ۲
- ۳-۱ ادوار مختلف فرهنگی ایران ..... ۴
- ۱-۳-۱ دوران جمع‌آوری غذا (پارینه سنگی) ..... ۵
- ۲-۳-۱ دوران گردآوری غذا (فراپارینه سنگی) ..... ۵
- ۳-۳-۱ دوران تولید غذا و استقرار در روستا (نوسنگی) ..... ۷
- ۴-۳-۱ دوران آغاز تاریخی ..... ۱۸
- خودآزمایی ..... ۲۹

### فصل دوم. باستان‌شناسی ایلام ..... ۳۳

- ۱-۲ سرزمین ایلام ..... ۳۳
- ۲-۲ دوره‌های تاریخی ایلام ..... ۳۵
- ۱-۲-۲ ایلام قدیم: تاریخ و آثار به جای مانده ..... ۳۵
- ۱-۲-۲-۱ نقش برجسته ..... ۳۷
- ۲-۲-۲-۱ پیکره‌سازی ..... ۳۸
- ۳-۲-۲-۱ مهرسازی ..... ۳۹
- ۲-۲-۲ ایلام میانی: تاریخ و آثار به جای مانده ..... ۳۹
- ۱-۲-۲-۲ معماری ..... ۴۰
- ۲-۲-۲-۲ پیکره‌سازی ..... ۴۴
- ۳-۲-۲-۲ نقش برجسته ..... ۴۷
- ۳-۲-۲ ایلام جدید: تاریخ و آثار به جای مانده ..... ۴۹
- ۱-۳-۲-۲ نقش برجسته ..... ۴۹
- ۳-۲ باورهای مذهبی ..... ۵۵

|                                          |    |
|------------------------------------------|----|
| فصل سوم. باستان‌شناسی ماد .....          | ۶۱ |
| ۱-۳ مهاجرت آریایی‌ها و تشکیل حکومت ..... | ۶۱ |
| ۲-۳ شهرسازی .....                        | ۶۴ |
| ۳-۳ استقرارگاه‌های مادی .....            | ۶۵ |
| ۴-۳ مقابر صخره‌ای .....                  | ۶۹ |
| خودآزمایی .....                          | ۷۰ |

|                                       |     |
|---------------------------------------|-----|
| فصل چهارم. باستان‌شناسی هخامنشی ..... | ۷۳  |
| ۱-۴ هخامنشیان .....                   | ۷۳  |
| ۲-۴ کتیبه‌ها .....                    | ۷۴  |
| ۳-۴ مجسمه‌سازی .....                  | ۷۷  |
| ۴-۴ مهرسازی .....                     | ۸۰  |
| ۵-۴ فلزکاری .....                     | ۸۱  |
| ۶-۴ جواهرسازی .....                   | ۸۶  |
| ۷-۴ سکه .....                         | ۸۸  |
| ۸-۴ صنعت بافت .....                   | ۸۹  |
| ۹-۴ معماری .....                      | ۹۱  |
| ۱-۹-۴ پاسارگاد .....                  | ۹۲  |
| ۲-۹-۴ تخت جمشید .....                 | ۹۶  |
| ۳-۹-۴ شوش .....                       | ۱۱۱ |
| ۴-۹-۴ آرامگاه‌ها .....                | ۱۱۴ |
| ۵-۹-۴ کعبه زرتشت .....                | ۱۲۰ |
| خودآزمایی .....                       | ۱۲۲ |

|                                              |     |
|----------------------------------------------|-----|
| فصل پنجم. باستان‌شناسی سلوکی و اشکانی .....  | ۱۲۵ |
| ۱-۵ سلوکیان .....                            | ۱۲۵ |
| ۱-۱-۵ آثار به جای مانده از دوران سلوکی ..... | ۱۲۷ |
| ۲-۵ اشکانیان .....                           | ۱۲۹ |
| ۱-۲-۵ کتیبه‌های پارتی .....                  | ۱۳۰ |
| ۲-۲-۵ مذهب .....                             | ۱۳۰ |
| ۳-۲-۵ سکه .....                              | ۱۳۱ |
| ۴-۲-۵ سپاه .....                             | ۱۳۲ |
| ۵-۲-۵ مجسمه‌سازی .....                       | ۱۳۳ |
| ۶-۲-۵ جواهرسازی .....                        | ۱۳۴ |

|          |                            |
|----------|----------------------------|
| ۱۳۵..... | ۷-۲-۵ ریتون.....           |
| ۱۳۶..... | ۸-۲-۵ سفال.....            |
| ۱۳۷..... | ۹-۲-۵ تدفین.....           |
| ۱۳۸..... | ۱۰-۲-۵ نقوش برجسته.....    |
| ۱۴۳..... | ۱۱-۲-۵ معماری.....         |
| ۱۴۶..... | ۱۲-۲-۵ کاخ‌سازی.....       |
| ۱۴۷..... | ۱۳-۲-۵ گچ‌بری و نقاشی..... |
| ۱۴۹..... | ۱۴-۲-۵ شهرسازی.....        |
| ۱۵۵..... | خودآزمایی.....             |

|          |                                   |
|----------|-----------------------------------|
| ۱۵۷..... | فصل ششم. باستان‌شناسی ساسانی..... |
| ۱۵۷..... | ۱-۶ ساسانیان.....                 |
| ۱۵۸..... | ۲-۶ سنگ‌نبشته‌ها.....             |
| ۱۵۹..... | ۳-۶ مسکوکات.....                  |
| ۱۶۰..... | ۴-۶ فلزکاری.....                  |
| ۱۶۳..... | ۵-۶ شهرسازی.....                  |
| ۱۶۵..... | ۶-۶ معماری.....                   |
| ۱۷۱..... | ۷-۶ نقوش برجسته.....              |
| ۱۸۷..... | خودآزمایی.....                    |

|          |                                          |
|----------|------------------------------------------|
| ۱۹۱..... | فصل هفتم. باستان‌شناسی ایران اسلامی..... |
| ۱۹۱..... | ۱-۷ ایران در قرون نخستین اسلامی.....     |
| ۱۹۲..... | ۲-۷ معماری.....                          |
| ۱۹۳..... | ۱-۲-۷ بناهای اولیه.....                  |
| ۱۹۷..... | ۳-۷ دوران سامانی.....                    |
| ۱۹۸..... | ۱-۳-۷ معماری.....                        |
| ۱۹۹..... | ۲-۳-۷ سفال.....                          |
| ۲۰۱..... | ۳-۳-۷ منسوجات.....                       |
| ۲۰۱..... | ۴-۳-۷ فلزکاری.....                       |
| ۲۰۲..... | ۴-۷ دوران غزنوی.....                     |
| ۲۰۳..... | ۱-۴-۷ معماری.....                        |
| ۲۰۴..... | ۵-۷ دوران سلجوقی.....                    |
| ۲۰۵..... | ۱-۵-۷ معماری.....                        |
| ۲۱۱..... | ۲-۵-۷ سفال.....                          |

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۲۱۳ | ..... ۳-۵-۷ فلزکاری           |
| ۲۱۵ | ..... ۶-۷ دوران مغول- ایلخانی |
| ۲۱۵ | ..... ۱-۶-۷ معماری            |
| ۲۱۷ | ..... ۲-۶-۷ کتاب‌آرایی        |
| ۲۲۰ | ..... ۳-۶-۷ نگارگری           |
| ۲۲۲ | ..... ۴-۶-۷ سفال              |
| ۲۲۳ | ..... ۷-۷ دوران تیموری        |
| ۲۲۴ | ..... ۱-۷-۷ معماری            |
| ۲۳۱ | ..... ۲-۷-۷ نگارگری           |
| ۲۳۲ | ..... ۳-۷-۷ کاشی‌کاری         |
| ۲۳۳ | ..... ۸-۷ دوران صفوی          |
| ۲۳۳ | ..... ۱-۸-۷ معماری            |
| ۲۴۸ | ..... ۲-۸-۷ منسوجات           |
| ۲۵۰ | ..... ۳-۸-۷ فلزکاری           |
| ۲۵۱ | ..... ۴-۸-۷ نقاشی             |
| ۲۵۳ | ..... ۵-۸-۷ کاشی‌کاری         |
| ۲۵۳ | ..... ۶-۸-۷ سفال‌گری          |
| ۲۵۵ | ..... ۷-۸-۷ تذهیب             |
| ۲۵۵ | ..... خودآزمایی               |
| ۲۵۹ | ..... پاسخ خودآزمایی‌ها       |
| ۲۶۱ | ..... کتابنامه                |

## پیشگفتار

ایران سرزمینی است که می‌توان استمرار حیات جمعی انسان‌ها از دوران غارنشینی تا زمان حال را در آن مشاهده نمود. یکی از علومی که در این زمینه به ما کمک می‌کند، باستان‌شناسی است. در این کتاب سعی شده است دانشجویان گرامی با دوره‌های مختلف فرهنگی، استقرارگاه‌های مختلف و آثار باقی‌مانده از هر دوره به صورت اجمالی آشنا شوند، تا اطلاعات پایه در اختیار آنان قرار گیرد. بدیهی است بررسی تمامی ابعاد آن در محدوده این کتاب میسر نیست.

فصل اول کتاب به تاریخچه فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران و معرفی دوره‌های مختلف فرهنگی پرداخته است. فصل دوم با نگاهی به سرزمین ایلام به معرفی اولین حکومت در جنوب غرب ایران، دوره‌های مختلف و آثار باقی‌مانده آن اشاره دارد. فصل سوم کتاب مهاجرت آریایی‌ها به سرزمینی که بعداً نام ایران به خود گرفت، تشکیل حکومت منطقه‌ای ماد و آثار باقی‌مانده آنان پرداخته است. معرفی هخامنشیان، تشکیل حکومت جهانی و نگاهی اجمالی به آثار باقی‌مانده آنان در پاسارگاد، تخت جمشید و شوش و سایر مناطق در فصل چهارم کتاب آمده است. فصل پنجم به دوران سلوکی و اشکانی، افول و باز زنده‌نمایی فرهنگ و تمدن ایران اختصاص دارد. فصل ششم کتاب دوره ساسانی و نمونه آثار باقی‌مانده آنان را معرفی می‌کند. آخرین فصل، نگاهی اجمالی به آثار اسلامی ایران تا پایان دوران صفوی دارد.

بدیهی است گستره جغرافیایی ایران، تعدد دوره‌های پیش از تاریخ، پیش از اسلام و اسلامی که در سر فصل درس است و محدودیت حجم کتاب درسی، امکان

ارائه و بررسی تمامی آثار دوره‌ها را نمی‌دهد. بر این موضوع واقف هستیم که مطالب ارائه شده خالی از نقص نیست، امید است دانشجویان گرامی و خوانندگان محترم با ارائه پیشنهادها و نظرات اصلاحی، ما را در تکمیل فصل‌های مختلف کتاب یاری کنند. مؤلفین بر خود لازم می‌دانند از دقت نظر علمی سرکار خانم سعیده سجادی عضو محترم هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور که ویرایش علمی این اثر را تقبل نمودند قدردانی نمایند. از تلاش‌های پیگیرانه جناب آقای محمدرضا ثمری (معاون محترم تدوین) و سرکار خانم مینا حاجی انزهایی (کارشناس محترم تدوین) و نیز همکاران ارجمندشان سپاسگزاری می‌شود.

احمد دهقان

هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

[Ahmad.dehghan@yahoo.com](mailto:Ahmad.dehghan@yahoo.com)

علی اکبر مستقیمی

هیئت علمی دانشگاه یزد

[Aliakbar\\_mostaghimi@yahoo.com](mailto:Aliakbar_mostaghimi@yahoo.com)

# فصل اول

## باستان‌شناسی پیش از تاریخ و تاریخی ایران

### اهداف کلی فصل

آشنایی دانشجو با:

دوران پیش از تاریخ و شهرنشینی در ایران و ویژگی‌های آنها، مهم‌ترین مکان‌های دوران پارینه سنگی، نوسنگی و شهرنشینی و چگونگی تکامل سیر تمدن و هنر در ایران پیش از تاریخ

### اهداف یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. تقسیم‌بندی مناسبی از دوران پیش از تاریخ و تاریخی ایران را ارائه دهد و ویژگی‌های هر کدام را بیان نماید.
۲. مهم‌ترین مکان‌هایی که آثار دوران پارینه سنگی، نوسنگی و شهرنشینی در آنها یافت شده است را با ذکر یافته‌های هرکدام شرح دهد.

### ۱-۱ باستان‌شناسی چیست؟

باستان‌شناسی شاخه‌ای از علم انسان‌شناسی است و از کلمه باستان Archaeo و پسوند Logy ترکیب شده است و آنرا می‌توان شناسایی باستان معنی کرد. در فرهنگ لغات باستان‌شناسی پنگوئن، باستان‌شناسی را مطالعه گذشته انسان بر اساس بقایای مادی که انسان از خود برجای گذشته است تعریف می‌کند. با این تعریف، باستان‌شناسان سعی

دارند تا بر اساس آثار و بقایای باقی‌مانده از فعالیت‌های انسانی، تغییرات و تطور تکاملی انسان را در گذشت زمان و در میان جوامع مختلف و در مکان‌های گوناگون با رعایت نظم مورد مطالعه قرار دهند (ملک، ۱۳۸۲: ۴۷۳-۴۷۲).

## ۱-۲ تاریخچه باستان‌شناسی در ایران

سابقه آشنایی ایرانیان با دانش باستان‌شناسی نزدیک به یک قرن است اما اطلاعات جهانگردان خارجی از بناهای باستانی ایران مربوط به قرون پانزده میلادی به بعد است. "جوزفا باربارو"<sup>۱</sup> ایتالیایی یکی از نخستین کسانی بود که در سال ۱۴۷۲ میلادی از تخت جمشید جایی که در گزارش خود از آن با نام "چهل منار" یاد کرده‌است، بازدید نمود. از دیگر جهانگردانی که در عهد صفوی به ایران مسافرت نمود، می‌توان به "تاورنیه"<sup>۲</sup> اشاره نمود. او بین سال‌های ۱۶۳۱ میلادی تا سال ۱۶۶۸ شش بار به ایران سفر نمود و در یکی از سفرهایش نقاشی را به همراه آورد که توانست اولین تصویر تخت جمشید را در ۱۶۶۵ میلادی نقاشی نماید (حریریان، ۱۳۷۷: ۲۲). پس از وی "انگلبرت کمپفر"<sup>۳</sup> آلمانی به تهیه تصاویر از ویرانه‌های تخت جمشید و کتیبه‌های آن پرداخت.

از آغاز قرن هیجدهم مطالعات باستان‌شناسی در ایران وارد مرحله جدیدی شد. از پیشگامان این امر نقاش هلندی به نام "کرنلیش دوبروین" است که در ۱۷۰۱ میلادی به کار کشیدن تصویر از بناها و رونویسی از کتیبه‌های تخت جمشید پرداخت که آثار او تا پیش از اختراع دوربین عکاسی بهترین تصاویر از تخت جمشید محسوب می‌شود. کاوش‌گرانی که بعد از او به ایران آمدند روش او را ادامه دادند، که ماحصل آن کشف رمز خط میخی فارسی باستان توسط "کارستون نیبور"<sup>۴</sup> است. انگلبرت کمپفر اولین کسی بود که این خط را خط میخی نامید. اما بایستی به "گروتفند"<sup>۵</sup> نیز اشاره نمود که برای اولین بار خط میخی فارسی باستان را رمزگشایی نمود و بالاخره افتخار این کار ۴۴ سال بعد نصیب "هنری راولینسون"<sup>۶</sup> گردید.

---

1. Josofat Barbaro  
2. Tavernier  
3. Engelbert Kampfer  
4. Carsten Niebuhr  
5. Grotefend  
6. Henry Rawlinson

نخستین کلنگ کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران را "ویلیام کنت لوفتوس"<sup>۱</sup> انگلیسی در سال‌های ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۱ میلادی در ویرانه‌های شوش پایتخت باستانی عیلام بر زمین زد. این تاریخ رامی‌توان سرآغاز فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی در ایران دانست. مهم‌ترین کشف اوخاک‌برداری از تالار بزرگ ستون‌داری در قسمت شمال غربی تپه بود که شباهت زیادی به تالار ستون‌دار تخت جمشید داشت (همان: ۲۵-۲۴). توصیف او توجه فرانسویان را به آثار ایران جلب کرد و آنان نظر مثبت شاه قاجار را برای صدور اجازه‌ی حفاری در شوش به دست آوردند. آن‌گاه "دیولافوا"<sup>۲</sup> برای تهیه‌ی مقدمات کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش به سال ۱۸۸۳ میلادی وارد ایران شد. سال ۱۸۸۵ میلادی سرآغاز کاوش فرانسویان در شوش به شمار می‌رود. دیولافوا کار خود را در تپه‌ی آپادانای شوش آغاز کرد و اشیاء مکشوفه را به پاریس منتقل نمود. در آخرین سفر شاه قاجار به اروپا، مقدمات کار برای انعقاد قرارداد جدیدی درباره‌ی کاوش‌های فرانسویان در شوش فراهم آمد. اما با کشته‌شدن ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ هجری این قرارداد هرگز به مرحله‌ی اجرا درنیامد.

در عهد سلطنت مظفرالدین شاه فرانسویان قدم پیش نهادند و خواستار اجرای قرارداد منعقد سال ۱۳۰۷ هجری شدند. اما مدتی کاوش‌های شوش دچار وقفه شد تا اینکه در سال ۱۳۱۸ هجری قرارداد جدیدی میان دولت ایران و فرانسه منعقد گردید که به موجب آن حفاری‌های باستان‌شناسی سراسر ایران به مدت شصت سال به انحصار فرانسویان درآمد (ملک، ۱۳۸۲: ۴۲-۳۹).

"ژاک دمورگان"<sup>۳</sup> از سال ۱۸۹۷ میلادی سرپرستی هیأت کاوش‌های شوش و مطالعات و بررسی‌های سایر نقاط ایران را به عهده داشت. بنای قلعه‌ی شوش موسوم به "آکروپل" از اقدامات اوست.

قرارداد موسوم به قرار داد مظفرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی از سوی دولت وقت ایران لغو گردید ولی توافق شد که هیأت فرانسوی کار خود را صرفاً در شوش دنبال کند و فرانسویان متعهد شدند تا موزه و کتابخانه‌ای در تهران احداث نمایند. در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی کار ساخت ساختمان به "آندره گدار"<sup>۴</sup> واگذار

---

1. William Kenet Loftus  
2. Marcel-Auguste Dieulafoy  
3. Jean-Jacques de Morgan  
4. André Godard

شد. وی با الهام از عناصر و شیوه‌های معماری دوره ساسانی خصوصاً طاق کسری و کاخ اردشیر اول، کار ساخت را شروع و در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی موزه و کتابخانه رسماً افتتاح شد. بعداً موزه‌های دیگری چون موزه پارس شیراز، قزوین و چهل‌ستون اصفهان راه‌اندازی شد. وزارت فرهنگ و هنر در ۱۳۴۳ هجری شمسی کار خود را آغاز نمود. از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۱ هجری شمسی فعالیت هیأت‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، ایرانی و خارجی رونق گرفت. موزه‌های بزرگ و کوچک چندی در شهرستان‌ها تأسیس شد. در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی مرکز پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران و مرکز مردم‌شناسی ایران تأسیس گردید. دانشگاه تهران با تأسیس رشته باستان‌شناسی اقدام به تربیت باستان‌شناسان ایرانی کرد که خدمات آن تا به امروز همچنان ادامه دارد. پس از انقلاب اسلامی، به فعالیت‌های متخصصان و هیأت‌های خارجی در حیطه‌ی باستان‌شناسی پایان داده شد و کار به ایرانیان واگذار گردید (همان: ۵۰).

### ۱-۳ ادوار مختلف فرهنگی ایران

تنوع اقلیمی ایران و وجود رشته کوه زاگرس و البرز و دشتهای حاصلخیز، از گذشته‌های دور توجه گروه‌های انسانی را به خود جلب کرده است. با توجه به مشخصات طبیعی ایران، ادوار مختلف فرهنگی پیش از تاریخ و باستانی آن را می‌توان با روش‌های مختلفی بررسی کرد. "کریستن تامسن"<sup>۱</sup> در ۱۸۱۹ میلادی بر اساس روش تفکیک جنسی آثار، دوران مختلف فرهنگی ایران را به سه دوره سنگ، مفرغ و آهن تقسیم نموده است. "بریدوود"<sup>۲</sup> دوره‌ها را از قدیم به جدید شامل موارد زیر می‌داند ۱. جمع‌آوری و ذخیره غذا ۲. آغاز کشاورزی ۳. روستا نشینی و تولید غذا از طریق کشاورزی و دامداری ۴. شهرنشینی (Braidwood, 1973, 34-36 و Braidwood, 1972, 310-320).  
ملک شه‌میرزادی بر اساس نوع اقتصاد معیشتی و تکنولوژی متناسب با آن، تقسیم‌بندی دیگری را به قرار زیر ارائه نموده است.

1. Christian Thomsen

2. Braidwood

### ۱-۳-۱ دوران جمع‌آوری غذا (پارینه سنگی)<sup>۱</sup>

در این عصر بشر برای تأمین غذای مورد احتیاج خود دائماً در حال حرکت بود و آن را از راه جمع‌آوری میوه‌ها، دانه‌های خشکبار، صید و شکار تأمین می‌کرد و در این دوران هرچه را که به دست می‌آورد می‌خورد. از نظر تکنولوژیکی این دوره به سه دوره کوچک‌تر پارینه سنگی قدیم، پارینه سنگی میانی و پارینه سنگی جدید تقسیم می‌شود که هرکدام از این دوره‌ها نیز به دوره‌ی کوتاه‌تر زیرین، میانی و زبرین تقسیم می‌شود. آثار پارینه سنگی در ایران در مناطقی چون شمال شرق ایران در بستر "کشف"<sup>۲</sup> رود "خراسان، نزدیک روستای "بَقَبَقو"<sup>۳</sup>، شمال غرب ایران در مثلث تبریز، مراغه، میانه و جنوب شرق ایران در "لدیز"<sup>۴</sup> سیستان" کشف شده است (ملک، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۱۹).

### ۱-۳-۲ دوران گردآوری غذا (فراپارینه سنگی)<sup>۵</sup>

انسان‌شناسان، دوره‌ی گردآوری غذا را دوره فراپارینه سنگی نامیده‌اند و چون اولین ابزار سنگی این دوره در پناهگاه سنگی در "زارزی"<sup>۶</sup> واقع در کردستان عراق کشف شده برای تمایز ابزار این دوره با دوره‌ی "بردوستی"<sup>۷</sup>، این دوره را زارزی نامیدند و بعدها این نام به تمام صنعت ابزارسازی دوره فراپارینه سنگی ایران اطلاق شد (همان: ۱۳۲-۱۲۹). در این دوره انسان بخشی از غذای جمع‌آوری‌شده خود را ذخیره می‌نماید. از ابزارهای ترکیبی با استفاده از ریز تیغه‌ها و دسته‌های استخوانی یا چوبی و از ابزارهای داسی شکل برای تسریع و تسهیل در امر درو غلات و حبوبات استفاده می‌کرد. سنگ ساب را برای ساییدن و نرم کردن دانه‌های غلات و حبوبات به کار می‌برد. ابزارفرا پارینه سنگی در مکان‌های زیر یافت شده‌اند:

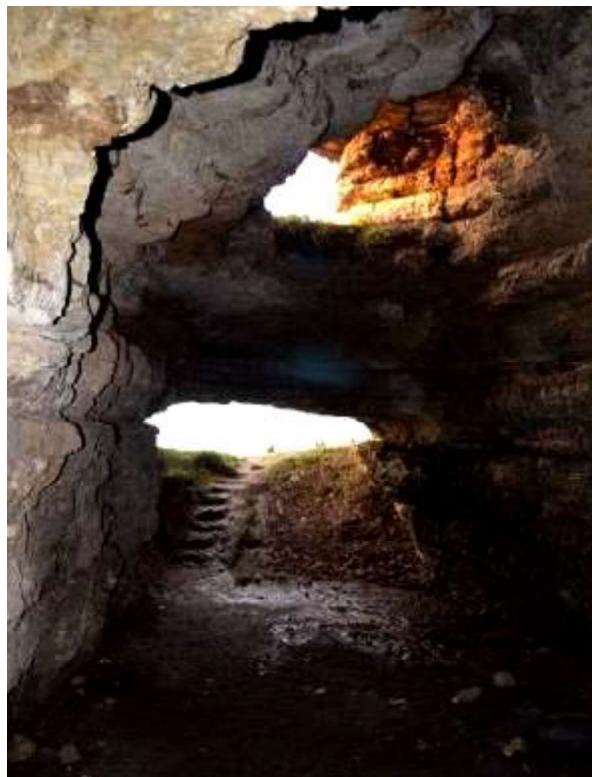
---

1. Paleolithic  
2. Kashafrud  
3. Baqbaqu  
4. Ladiz  
5. Epi Paleolithic  
6. Zarzi  
7. Bardosti

- "غارخر"<sup>۱</sup> نزدیک بیستون آثار دوره‌ی میانی پارینه سنگی تا دوره ساسانی را در خود جای داده است. احتمالاً این منطقه یکی از اولین مناطقی بوده که اهلی کردن بز و گوسفند در آن صورت گرفته است (Young, 1966, 2-4).
- "پناهگاه سنگی وارواسی"<sup>۲</sup> در نزدیکی کرمانشاه آثار دوران "موستری" بردوستی و زارزی را داشته و از آن انواع تراشنده‌ها و ابزار سنگی شامل سنگ مادر، ریز تیغه‌ها، یک عدد چکش سنگی، قلم حکاکی و سوراخ‌کن کشف شده است. استخوان‌های گورخر، بزکوهی، بز، گوسفند اهلی‌نشده، گراز وحشی و کفتار از این غار گزارش شده است (Olszewski, 1993, 189-199).
- "غار کونجی"<sup>۳</sup> در جنوب خرم آباد آثار دوران پارینه سنگی جدید، بردوستی، فراپارینه سنگی و دوران پس از آن را در خود داشته است (نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۳۹).
- "غار هوتو"<sup>۴</sup> نزدیک بهشهر آثار دوران پارینه سنگی، نوسنگی، عصر آهن و عصر اسلامی را در خود جای داده است. یافته‌های غار هوتو بیشتر شامل ابزار سنگی، استخوان و سفال است که سفال نوسنگی آن به دو نوع سفال نرم و سفال منقوش تقسیم می‌شود (صمدی، ۱۳۳۱: ۲۳۸ و نقشینه، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۰).
- "غار علی‌تپه"<sup>۵</sup> در نزدیکی بهشهر و نزدیک غارهای هوتو و کمر بند می‌باشد. این غار همزمان با دوره‌ی یخبندان در اروپا، متروک و فرهنگ شبه زارزی آن به پایان رسیده است (ملک، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۶).
- "اشکفت گاوی"<sup>۶</sup> در نزدیکی مرودشت آثار استخوان حیواناتی چون غزال، نوعی گوسفند و حیوانات آبی را در خود داشته است (امیری، ۱۳۶۷: ۲۱۵).

---

1. Ghar-i Khar  
 2. Warwasi  
 3. Kunji Cave  
 4. Hotu  
 5. Ali Tappeh  
 6. Eshkaft-e Gavi



شکل ۱-۱. غار هوتو

### ۱-۳-۳ دوران تولید غذا و استقرار در روستا (نوسنگی)<sup>۱</sup>

بشر با تجربیات دوران گردآوری غذا به تدریج به کشت گیاهان و نگه داری و تیمار حیوانات پرداخت، یکجانشین شد و با تولید غذا از طریق گردآوری، کشاورزی و دامداری نخستین روستاها را به وجود آورد. مشخصه‌ی این دوره که به دوران نوسنگی مشهور است تولید غذا، تولید سفال و ایجاد نظم در معماری است. دوره‌ی نوسنگی به دو دوره نوسنگی بدون سفال و عصر سفال نوسنگی تقسیم می‌شود. آثار دوره‌ی نوسنگی بدون سفال در "گنج تپه"، "تپه عبدالحسین"، "تپه گوران لرستان"، "محوطه علی کش"، "چغاسفید"<sup>۲</sup> در دشت دهلران یافت شده است. پس از دوره‌ی بدون سفال نوسنگی، عصر سفال نوسنگی آغاز شد. سفال به صورت دست ساز بوده که در ابتدا آن

1. Neolithic

2. Chogha Sefid

را نمی‌پختند اما در دوره‌های بعد به پخت آن اقدام کردند (برنیک، ۱۳۸۷: ۲۲-۱۹ و Pollock, 2005: 20-29).

خانه‌های نوسنگی به صورت منفک و جدا از یکدیگر و اکثراً چهارگوش و دارای دو اتاق بوده‌اند. در ساخت آن‌ها از گل کوبیده و سفت شده و چینه و خشت استفاده شده است. سقف خانه‌ها مسطح و از تیرک چوبی، چوب‌های نازک و شاخه درختان با لایه‌ای از گل بوده است (تکمیل همایون، ۱۳۷۱: ۲۱۷).

با ورود انسان به دوره‌ی نوسنگی و تغییر شیوه‌ی معیشت از جمع‌آوری و گردآوری به تولید غذا از راه کشاورزی و دامداری، وابستگی او به زمین بیشتر شد. جهت افزایش بهره‌وری از زمین و جلوگیری از اتفاقات طبیعی متوسل به نیروهای ماورالطبیعی شد. باورهای شکل گرفت و آداب آیینی در جهت جلب منافع و دفع مضرات به وجود آمد. انسان که به دنبال تسلط بر نیروهای طبیعی بود، با ساخت سمبل‌ها و پیکرک‌ها سعی در کنترل آن‌ها نمود. با ساخت پیکرک‌های مؤنث و مبالغه در نمایش اندام متعلق به باروری و زایش، از آنان طلب حاصل‌خیزی و باروری نمود (مرتضوی و سلیمانی، ۱۳۹۰: ۲۶۹). برخی از مکان‌های استقرار اولیه عبارت‌اند از:

- "په‌علی‌کش"<sup>۱</sup> در نزدیکی دهلران سه دوره‌ی استقرار را در خود داشته است: "دوره‌ی بزم‌مرده"<sup>۲</sup>، علی‌کش و "محمدجعفر"<sup>۳</sup>. ابزارهایی نظیر سنگ ساب، ساینده، کوبنده، هاون و دسته‌هاون، ساطور قلوه سنگی، کلنگ، شیارگر، ظروف سفالی، مته، سوراخ‌کننده، سلاح، پیکرک‌های گلی واجزای گوناگون تزئینی از استخوان و صدف به دست آمده‌اند. روش تدفین در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است (Mellaart, 1975: 82-84).

در دوره بزم‌مرده دیوارها از خشت خام بوده است. از گندم دانه درشت و جو دو ردیفه و از بز و گوسفند استفاده می‌شد و غزال، گورخر، گراز را شکار و حلزون، ماهی و خرچنگ را صید می‌کردند (نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

در دوره علی‌کش خانه‌ها بیش از یک اتاق داشته و کف آن‌ها را با گل اندود کرده‌اند. سبد بافی معمول بود و اموات را در حصیر می‌پیچیدند و به صورت جمع شده دفن می‌کردند.

---

1. Ali Kosh  
2. Boz Mordeh  
3. Mohammad Jaffar

در دوره محمدجعفر پی دیوارها را با قلوه سنگ ساخته‌اند. مهم‌ترین نوآوری این دوره‌ی ساخت سفال است که در حرارت کم پخته شده و دارای نقوشی همانند سفال‌های تپه گوران و تپه سراب است (Shaw, 1999, 53).

- "چغامیش"<sup>۱</sup> در جنوب دزفول در دشتی قرار دارد که رودهای کارون و دز از آن می‌گذرند. آثاری از "سوزیانای عتیق"<sup>۲</sup> تا دوره‌ی هخامنشی در این تپه کشف شده است. سفال‌های سوزیانای جدید به دو نوع سفال نخودی و سفال نارنجی قرمز تقسیم می‌شوند. تیغه‌های سنگی، انواع سنگ ساب، کوبه، سنگ انگشتی، تخته گوشت، کج بیل و پاشنه در از این محل کشف شده است. علاوه بر این اشیای سفالی، سردوک، فلاخن‌های گلی، ژتون‌های گلی، اشیای استخوانی، مهرها، اشیای تزیینی، پیکرک‌های گلی و اشیای فلزی نیز در تپه چغامیش یافت شده است (ملک، ۲۲۷: ۱۳۸۲-۲۰۱).

- "تپه‌ی سراب"<sup>۳</sup> در شمال شرق کرمانشاه واقع است. سفال‌های این تپه از نوع قرمز ساده، سفال با نقوش بچه قورباغه‌ای و سفال نخودی داغدار می‌باشند. مهره سنگی و ظروف سنگی و پیکرک‌های گلی متعددی از انسان و حیوان نیز کشف شده است که یکی از آن‌ها به نام ونوس سراب از شهرت جهانی بر خوردار است. این پیکرک‌زنی، را نشان می‌دهد که نشسته و پاهای خود را دراز کرده است (هول، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

- تپه‌ی گنج‌دره"<sup>۴</sup> در نزدیک کرمانشاه معرف دوره‌ی نوسنگی است. از ویژگی‌های معماری گنج دره وجود ساختمان‌های دو طبقه است (اسمیت، ۱۳۷۶: ۵۱). دیوارهای این تپه نسبت به سایر محوطه‌های نوسنگی کمتر ضخامت داشته‌است، خانه‌ها کنار یکدیگر ساخته‌شده و دارای دیوارهای گل اندود بوده‌اند. سفال‌ها با شاموت گیاهی درست می‌شدند. ابزارهای سنگی از سنگ چخماق و پیکرک‌های گلی انسان و حیوان در گنج دره کشف شده است. چهل و یک اسکلت پیدا شده در این تپه نشان می‌دهد که اجساد را به‌صورت جمع‌شده و بدون هدیه دفن می‌کردند (هول، ۱۳۸۱: ۱۲ و Mellaart, 1975, 76-79).

---

1. Chogha Mish  
2. Archaic Susiana  
3. Sarab  
4. Ganj Dareh

- "تپه‌ی گیان"<sup>۱</sup> نزدیک نهاوند قرار دارد که در آن چهار دوره‌ی معماری تشخیص داده شده است. به علت تخریب شدید، تعیین نقشه‌ی بناها امکان‌پذیر نیست. سفال چند رنگی این تپه با سفال شوش II قابل مقایسه است. سفال تپه گیان در دوره مفرغ، نخودی، قرمز و منقوش بوده است. قبرهای گیان در اعماق مختلفی قرار داشته است. در یک مورد کودکان را در خمره‌های بزرگ دفن کرده بودند (ملک، ۱۳۸۲: ۲۷۶-۲۷۱ و ibid, 180).



شکل ۱-۲. ونوس سراب

- "گودین تپه"<sup>۲</sup> هفت دوره‌ی استقرار از هزاره ششم پیش از میلاد تا دوره‌ی مادها را در خود داشته است. دیوارها از چینه ساخته شده بود و گاهی نیز از قلوه سنگ برای پی استفاده کرده‌اند. سفال‌های این تپه به دو گروه سفال خشن و ظریف تقسیم

1. Gian

2. Godin

می‌شوند که سفال‌های خشن خود به دسته نخودی ساده فاقد لعاب، نخودی ساده با لعاب غلیظ و سفال با لعاب غلیظ گل قرمز تقسیم می‌شوند (یانگ، ۱۳۴۷: ۱۸-۱).

- "تپه‌ی حاجی فیروز"<sup>۱</sup> در شرق دره سولدوز در دو کیلومتری "تپه حسنلو"، شانزده دوره‌ی استقرار از پیش از تاریخ تا پس از اسلام را در خود داشته است. بقایای ساختمان‌های این تپه که مربع شکل و مستقل از هم هستند به هزاره‌ی ششم قبل از میلاد نسبت داده شده است. سفال‌های حاجی فیروز دست‌ساز، منقوش و با اشکال مختلف هستند.

پیکرک‌های گلی و آثار گوناگون سنگی، استخوانی و صدفی نیز در این تپه کشف شده است. آثار سبد و حصیر بر روی دیوارها گزارش شده است. اجساد را در کف اتاق‌ها دفن می‌کردند. وجود استودان با استخوان‌های چند نفر قابل توجه است. نمونه‌هایی هم از استخوان‌های سوخته‌ی انسان در محل پیدا شده است و این احتمال را به وجود آورده است که اجساد را می‌سوزانند. به دست‌آمدن سینی‌های پوست کنی در حاجی فیروز روابط بسیار نزدیک آن را با شمال بین‌النهرین نشان می‌دهد. نظیر سفال‌های حاجی فیروز در نواحی مرکزی ایران در تپه زاغه، دشت قزوین و تپه سیلک کاشان به دست آمده است (Mellaart, 1975, 205-207).

- "یانیک تپه"<sup>۲</sup> در جنوب تبریز آثار متعلق به دوره‌های نوسنگی متاخر، برنز و آهن را در خود داشته است. در این تپه خانه‌های مسکونی را با دیوارهای خشتی ساخته بودند. ورودی خانه‌ها از طریق سقف بود و در به شکل امروزی نداشتند. خانه‌های دوره‌ی مفرغ، پلانی دایره شکل داشت که در مرکز آن‌ها تیرکی برای نگه‌داشتن سقف چوبی و یا پوستی تعبیه کرده بودند. سفال یانیک تپه دست‌ساز، خاکستری با نقوش ساده است (Burney, 1961, 138-153).

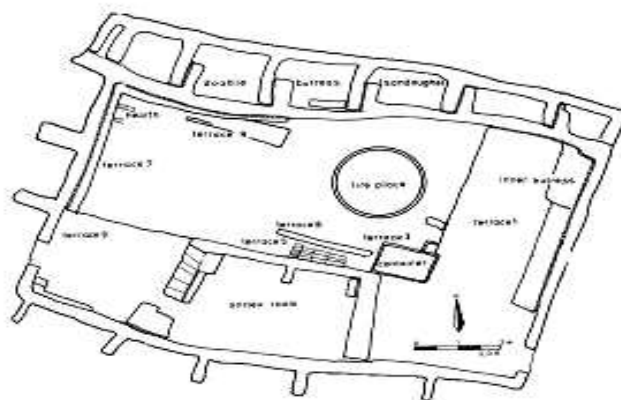
- "تپه‌ی زاغه"<sup>۳</sup> یکی از مراکز استقرار اولیه‌ی کشاورزی دشت قزوین است که آثار هزاره ششم تا اواسط هزاره پنجم قبل از میلاد را در خود داشته است. مهم‌ترین یافته‌ی این تپه بقایای ساختمانی معروف به معبد نقاشی شده است که ابعادی حدود ۱۱/۴۵ × ۱۰/۸۰ متر داشته است. دیواره‌های معبد را با خشت‌های طولی ساخته شده و بر

1. Hajji Firuz

2. Yanik

3. Zaghe

آنها پوششی با گل اخری کشیده بودند. بر روی پوشش گل اخری، نوارهای کنگره‌ای منظم به رنگ سیاه و سفید سراسر دیوار را تزیین کرده است. دیوارها علاوه بر داشتن باندهای تزیینی با تعدادی سر بز کوهی تزیین گردیده است. سقف معبد به کمک تیرهای چوبی به صورت مسطح اجرا شده بوده است. در وسط معبد محلی برای افروختن آتش در نظر گرفته بودند (نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۷۴-۳۵۴).



شکل ۱-۳. پلان معبد نقاشی تپه زاغه

از تپه‌ی زاغه دو نوع سفال، یکی سفال دست ساز نوع زاغه و دیگری سفال دست‌ساز نوع چشمه علی گزارش شده است. اشیاء مسی، ادوات سنگی و استخوانی نیز به دست آمده است. اهالی زاغه مردگان خود را در زیر خانه‌های خود دفن می‌کردند، آنان را با گل اخری پوشانده و در کنارشان ظروف و ادوات مختلف قرار داده بودند (ملک، ۱۳۸۲: ۳۳۷-۳۱۷).

- "تل ابلیس"<sup>۱</sup> در جنوب غرب کرمان قرار دارد. ساکنان این تپه دیوارها را با خشت و ملاط گل می‌ساختند و سپس آنها را با کاه‌گل اندود می‌کردند. خانه‌ها چندین اتاق و اجاق داشت. سفال‌های منقوش این تپه نقوش مار، کرم و حلزون را بر خود داشته‌اند. اشیای سنگی مانند هاون، انواع ساینده، سنگ‌ساب، تبر سنگی، پیکرک سنگی و غیره از این تپه گزارش شده است. اشیای استخوانی، صدفی، گلی و سنگ

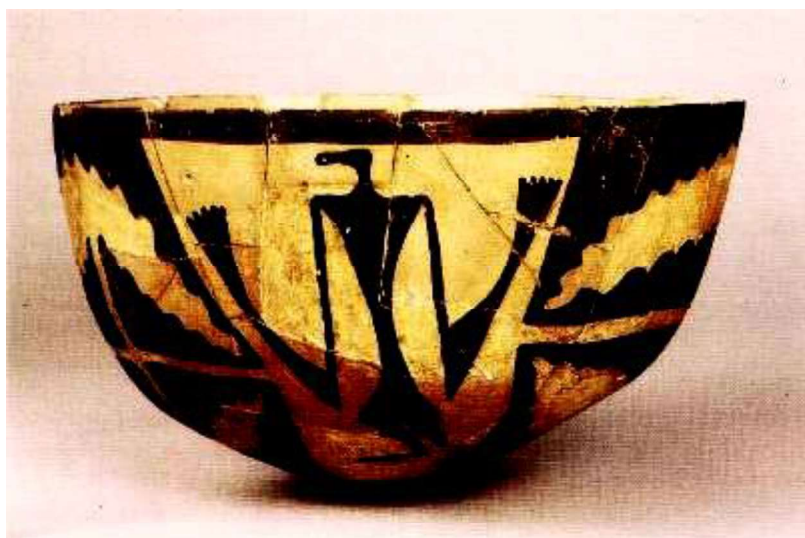
فیروزه و نیز اشیاء مسی در این تپه یافت شده است. ساکنان این تپه اجساد را در کف ساختمان‌ها دفن می‌کردند (همان: ۲۹۱-۲۸۶).

- "تپه یحیی" در جنوب کرمان، در دره‌ی صوغان آثار دوران نوسنگی داشته است. زندگی ساکنان تپه یحیی در این دوران بر پایه گله‌داری، شکار و کشاورزی استوار بود و خانه‌هایشان را با خشت ساخته بودند که درگاهی نداشته و احتمالاً ورود و خروج از طریق سقف انجام می‌شده است. اشیاء به‌دست آمده شامل آلات و ابزار از جنس استخوان، سنگ چخماق و سفال می‌باشد. سفال این دوران دست ساز، ساده خشن با پوشش قرمز و سفال نخودی منقوش با رنگ سیاه و نقوش هندسی بوده است. مهره‌های کوچک صدفی و نیز مجسمه‌ای از جنس سنگ استاتیت به دست آمده است. کف بعضی از اتاق‌ها محل دفن کودکان بوده است (کارلوسکی، ۱۳۵۳: ۱۰۸-۸۱).



شکل ۱-۴. نقش عقاب بر روی سنگ استاتیت، تپه یحیی

- "تل باکون"<sup>۱</sup> از دو تپه‌ی نزدیک به هم در دشت مرو دشت تشکیل شده است. یکی از تپه‌ها قدیمی‌تر است و آثار مکشوفه آن به حدود ۵۰۰۰ سال پ.م می‌رسد. تپه دیگر آثار جدیدتری را در خود داشته و بعد از اسلام هم مورد استفاده قرار گرفته و گورستان بوده است (نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۹۰). دیوار خانه‌ها چینه‌ای بود و آن را با کاه‌گل اندود و روی کاه‌گل را با رنگ زرد و قرمز می‌آراستند. سفال‌های باکون دست‌ساز و نخودی منقوش است. ظروف سنگی، تیغ، داس، مخروط‌های سنگی، چکش، مشته از این محل گزارش شده است. اشیای گلی، پیکرک‌های حیوانی و انسانی، سردوک‌ها و اشیای استخوانی نیز دیده شده است (هول، ۱۳۸۱: ۱۲۸-۱۲۶ و Langsdorff, 1942, 60-71).



شکل ۱-۵. سفال تل باکون

• تمدن "سیلک"<sup>۲</sup>: شاخص این تمدن تپه‌ی سیلک در جنوب غربی کاشان از دو تپه‌ی شمالی و جنوبی تشکیل شده است که تقریباً شش صد متر از هم فاصله دارند. تپه‌ی شمالی کوچک‌تر و آثار قدیمی‌تر، یعنی سیلک I و سیلک II را در خود جای

1. Tall-i Bakun  
2. Sialk

داده است. تپه‌ی جنوبی بزرگ‌تر و آثار تمدنی جدیدتر یعنی دوره‌های تمدنی سیلک III و سیلک IV را در خود جای داده است. قبرستان‌های الف و ب آثار مربوط به سیلک V و VI را نشان می‌دهند.

سیلک I قدیمی‌ترین دوره‌ی تمدن سیلک در تپه‌ی شمالی است که قدمت آن به اواخر هزاره ششم و اوایل هزاره پنجم ق.م باز می‌گردد. سیلک I دارای پنج لایه فرعی است که اولین لایه‌ی آن I۱ بقایای خانه‌های ناپایدار از بوریا و شاخه‌ی درختان و گل را نشان می‌دهد. چهار لایه بعدی ۵-۱۲ آثار ساختمانی با دیوارهای گلی چینه‌ای در بر داشته‌اند.

در دوره‌ی سیلک I مرده‌ها را در زیر کف اتاق‌ها به حالت جمع‌شده با پوشش گل اخری دفن می‌کردند. در لایه I۲ جو دو شیاره همراه با آثار اهلی‌کردن بز پیدا شده‌است. کشاورزی با توجه به پیدایش داس مربوط به درو از همان آغاز سیلک I وجود داشته است. علاوه بر اهلی‌کردن حیوانات، اهالی به شکار غزال، گوسفند وحشی و گاو جهت تأمین مواد غذایی خود می‌پرداختند. ابزار و ادوات سنگی از قبیل تبر و بیل و تیغه‌های تیز و سنگ ابسیدین هنوز مورد استفاده بوده است. در لایه‌ی I۳ اولین ادوات دست ساخته مسی ظاهر می‌شود. سنجاق‌های مسی چکش خورده و سایر ادوات مسی معرف پیشرفت ساکنان مستقر در این لایه است. مس را ظاهراً از انارک نایین تأمین می‌کردند. اهالی سیلک اولیه علاوه بر سفال قرمز خشن، سفال نخودی رنگ با نقوش هندسی ساده سیاه رنگ مورد استفاده قرار می‌دادند (Mellaart, 1975, 187-194) و نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۸۰). آثار تمدنی سیلک در تپه‌های دیگر نظیر باکون ب، جری ب، تپه زاغه، حاجی فیروز، گودین تپه، گوران تپه، چغامیش، جعفر آباد و چشمه علی به دست آمده است.

• **تمدن "چشمه علی"**: فرایند تبدیل شدن تمدن سیلک به تمدن چشمه علی تدریجی بوده است. در این تمدن خانه‌ها با خشت خام ساخته می‌شدند، از فلزات استفاده بیشتری می‌شد، ادوات ساخت کاسه‌های سنگی کامل‌تر می‌شد، در ساخت سفال دقت بیشتری می‌شد و نقوش متنوع گردید، اجساد را در داخل روستا همراه با هدایای سفالی و مسی دفن می‌کردند (همان: ۳۸۴-۳۸۳).